

واکاوی بازآفرینی شهری با تأکید بر مطالعات موردی در ایران

محسن مقصودی^۱، سعیدرضا فصیحی^۲

۱- کارشناسی ارشد معماری موسسه آموزش عالی بینالود مشهد، Mhsen.magsoudi۵۶@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد هیدروژئومورفولوژی دانشگاه حکیم سبزواری، f syhysydr۳۳@gmail.com

چکیده:

در دهه‌های اخیر جوامع پیشرفته شاهد تحولاتی از قبیل تلاش برای مهار آسیب‌رسانی به طبیعت، توسط دست‌ساخت‌های بشر و سازگاری هرچه بیشتر محیط مصنوع با طبیعت مورد توجه قرار گرفته است. رشد لجام‌گسیخته‌ای جمعیت که در دوران مدرن گریبان شهرها را گرفت و موجب تغییر در چهره و سیمای شهرها، از هم‌گسیختگی بافت‌های سبز و طبیعی و... شده بود، امروزه محدود شده و توسعه شهری در درون محلات خود مورد توجه قرار گرفته است. همچنین توجه از بلندمرتبه‌سازی به میان مرتبه‌سازی تغییر داشته است و نیز فضاهای شهری دارای پتانسیل را با تزریق فعالیت‌های امروزی به فضاهای پویا و حضور پذیر تبدیل نموده است. با چنین رویکردی بافت‌های متوسط شهرها که پویایی خود را از دست داده‌اند و یا در حال از بین رفتن است مجالی برای باز زنده‌سازی و ارتقای کیفیت خواهند داشت. بازگرداندن و یا رشد زندگی به این نوع فضاها با توجه به ویژگی‌های هویتی اجتماعی شهر صورت می‌پذیرد، بافت‌های رها شده علاوه بر صدماتی که خود باقت وارد می‌آورد می‌تواند قسمتی از شهر و بعضاً کل شهر را تحت تأثیر قرار داده و نابسامانی‌هایی به کل شهر و یا محدوده‌ی اطراف تکمیل نماید. فرسودگی و نیز عدم شناخت در طراحی فضای شهری یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث می‌شوند بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب، بی‌قوارگی و یا باعث دگرگونی آن می‌شوند؛ و نیز منجر به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقع‌های و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند.

کلمات کلیدی: بازآفرینی شهری، نوسازی، بافت فرسوده

۱- بیان مسئله:

رشد روزافزون و سریع جمعیت شهری در طول سه دهه اخیر باعث ایجاد مشکلات بی‌شماری چون ازدحام جمعیت، بیکاری، کمبود مسکن و خدمات شهری ناکافی شده است. کشورهای در حال توسعه به منظور حل معضل رشد جمعیت برنامه‌هایی همچون تنظیم خانواده، توسعه مناطق روستایی، تنظیم مهاجرت جوامع روستایی به شهرها، محدود کردن رشد شهرهای بزرگ، گسترش شهرهای کوچک‌تر و تأسیس شهرهای جدید را دنبال کرده‌اند (وارثی و احمد ۱۳۹۰) بنا بر آمار و با توجه به شهرهای موجود و محدودیت طبیعی و کاربری اراضی در حومه و اطراف آن‌ها پیش‌بینی می‌شود امکان گسترش شهرها برای جذب جمعیت ۹۶ میلیون شهرنشین در سال ۱۴۰۰ وجود نخواهد داشت (زیاری ۱۳۸۷). بنابراین رشد سریع جمعیت شهری در شهرهای بزرگ کشور و لزوم هدایت سرریز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در آینده از شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و مشهد به سوی شهرهای جدید، ایجاد شهرهای جدید را ضروری می‌ساخت. علاوه بر این، برای جلوگیری از تخریب پسرکرانه‌های زراعی و طبیعی شهرها، حل مشکل مسکن و نارسایی‌های خدمات زیربنایی و روبنایی و همچنین تمرکززدایی از مادرشهرها کاهش بار فعالیتی و اقتصادی آن‌ها، احداث شهرهای جدید الزامی به نظر می‌رسید. به عبارت دیگر، به دنبال مسائل اقتصادی اجتماعی و کالبدی کلان‌شهرهای ایران، راه‌حل ایجاد شهرهای جدید همانند بسیاری از کشورهای جهان مطرح گردید (اعتماد ۱۳۷۶)

از سوی دیگر با معضلی به نام بافت های فرسوده روبرو هستیم. بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنین و مالکین آن‌ها امکان نوسازی خودبه‌خود را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن ندارند. مهم‌ترین پیش‌نیاز عملیات بهسازی نوسازی بافت های فرسوده شهری ایجاد سازوکار و ساختار اجرایی مناسب در سطح محلات می‌باشد (آیئنی ۱۳۸۷). این موضوع به اصل محله محوری در نهادسازی برای عملیات بهسازی و نوسازی رهنمون می‌شود. در این جهت طرح تشکیل دفاتر خدمات نوسازی محلات فرسوده شهری ارائه شده است. (آیئنی ۱۳۸۸). ما مهم‌ترین رکن تحقق خیزش عمومی مذکور، مالکان واحدهای فرسوده شهری می‌باشد. (آیئنی ۱۳۸۷) ادبیات اخیر دنیا واژه "بازآفرینی شهری" به‌عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی را در برمی‌گیرد، به کار می‌رود. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیت) منجر می‌گردد. در این اقدام، فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارد (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۹) به‌عبارت‌دیگر بازآفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف عملیات است که در نهایت به یک پیشرفت پایداری

اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید. هدف از اجرای سیاست‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقا شرایط کیفی زندگی در سکونتگاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری موردنیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم‌نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعمل‌های کیفی ساخت‌وساز است. (حبیبی و همکاران ۱۳۸۶) علاوه بر این، بازآفرینی شهری بر این مطلب تأکید دارد که طرح و اجرای هرگونه روش برای مقابله با مشکلات شهرهای بزرگ و کوچک، باید دارای اهداف بلندمرتبه و راهبردی باشد. مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم به توانایی‌های مدیریت شهری در بحث بازآفرینی بافت های فرسوده بیفزایند، بنابراین در بحث بازآفرینی بافت های فرسوده می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان اشاره نمود. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک عامل مهم و زیربنایی در توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه، گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند و عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به‌عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌تواند شناخت جدیدی را از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرد، پس به دلیل اهمیتی که سرمایه اجتماعی در جامعه دارد باید به دنبال راهکارهایی بود که بتوان با جلب اعتماد و حمایت مردم که یکی از اهداف سرمایه اجتماعی است این سرمایه را در کشور تقویت نمود تا از طریق آن به رشد و توسعه دست‌یافت (شیخی و همکاران ۱۳۹۴).

هدف و روش تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات، نوعی از روش‌های کتابخانه‌ای - اسنادی با بررسی مطالعات و تحقیقات پیشین، اطلاعات تجزیه و تحلیل شده است.

۲- اهداف و سوغات پژوهش:

ارائه مدل تحلیلی از معیارها و شاخص‌های کالبدی مؤثر بر ارتقاء زندگی در محلات شهری
سوالات پژوهش:

راهکارهای کالبدی برای ایجاد یک محیط شهری چیست؟

شاخص‌های کالبدی مؤثر برای سنجش مردم در فضاهای شهری کدامند؟

۳- پیشینه تحقیق:

۳-۱ **امیل دورکیم** (۱۹۱۷_۱۸۵۸): جوامع مبتنی بر شباهت و باورها و نمادهای مشترک دارای همبستگی مکانیکی اند؛ ولی در جوامع شهری جدید شاهد همبستگی ارگانیکی هستیم زیرا در شهر به سبب تقسیم کار پیچیده همه اعضا به یکدیگر وابسته هستند. نتیجه نهایی جامعه دارای همبستگی ارگانیکی پیشرفت و ترقی اجتماعی است. (محمد داود مدقق ۱۳۹۳)

۳-۲ **فردینالد تونیس** (۱۹۳۶_۱۸۵۵): تونیس با خلق دو مفهوم گمین شافت و گزل شافت به بررسی جوامع در حال گذار غرب پرداخته است. گمین شافت نوعی زندگی عمیق و پرمعنا و مبتنی بر منزلت است و معرف آن روستا است؛ اما گزل شافت زندگی سطحی و گذرا و مبتنی بر قرارداد است. تونیس به زندگی شهری عصر مدرن خوشبین نبود. (مهدی زاده ۱۳۸۹)

۳-۳ **ماکس وبر** (۱۹۲۰_۱۸۶۴): وبر در اثر معروف خود، "شهر در گذر زمان"، شهر را از دیدگاه استقلال سیاسی و زمینه‌های پیدایش جامعه مدنی در غرب مطرح می‌کند. او با ساختن یک نمونه آرمانی به مقایسه شهر اروپایی با آسیایی می‌پردازد و می‌خواهد نشان دهد که شهر غربی دارای ویژگی خاصی است که آن را از شهر در دیگر نقاط جهان متمایز می‌سازد. (منصوره کاویانی ۱۳۸۴)

۳-۴ **بهمنی و رهایی** (۱۳۹۳): در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأثیر حس تعلق خاطر شهروندان بر توسعه پایدار محلات شهری"، با بررسی تأثیر حس تعلق خاطر شهروندان در محله‌های شهری در راستای توسعه پایدار محلات شهری به ارائه راهکارهایی پرداخته‌اند تا با مطلوب شدن فضای محله‌های شهری و تقویت حس تعلق خاطر شهروندان گامی در جهت توسعه پایدار فضاهای شهری برداشته شود. تأکید این مقاله بر روی مفهوم حس تعلق به مکان و اهمیت آن در تحقق پایداری در محله است.

۳-۵ **دشتی تهرانی و عرفانی** (۱۳۹۵): در مقاله‌ای با عنوان "نقش حس تعلق مکانی در دستیابی به اهداف پایداری اجتماعی" به بررسی عوامل و سازوکارهای مؤثر بر حس تعلق و پیامدهای آن را در پایداری اجتماعی پرداخته‌اند. در این راستا، از روش توصیفی تحلیلی برای جمع‌آوری اطلاعات و از روش قیاسی برای استدلال- یافته‌ها بهره گرفته شده است. در این رابطه به نظر می‌رسد، حس تعلق مکانی باعث افزایش پایداری اجتماعی می‌شود.

جدول شماره ۱

نظریه پرداز	خلاصه نظریه ارائه شده
امیل دورکیم	جوامع مبتنی بر شباهت و باورها و نمادهای مشترک دارای همبستگی مکانیکی اند؛ ولی در جوامع شهری جدید شاهد همبستگی ارگانیکی هستیم زیرا در شهر به سبب تقسیم کار پیچیده همه اعضا به یکدیگر وابسته هستند. نتیجه نهایی جامعه دارای همبستگی ارگانیکی پیشرفت و ترقی اجتماعی است.
فردینالد تونیس	تونیس با خلق دو مفهوم گمین شافت و گزل شافت به بررسی جوامع در حال گذار غرب پرداخته است. گمین شافت نوعی زندگی عمیق و پرمعنا و مبتنی بر منزلت است و معرف آن روستا است؛ اما گزل شافت زندگی سطحی و گذرا و مبتنی بر قرارداد است. تونیس به زندگی شهری عصر مدرن خوشبین نبود
ماکس وبر	وبر در اثر معروف خود، "شهر در گذر زمان"، شهر را از دیدگاه استقلال سیاسی و زمینه‌های پیدایش جامعه مدنی در غرب مطرح می‌کند. او با ساختن یک نمونه آرمانی به مقایسه شهر اروپایی با آسیایی می‌پردازد و می‌خواهد نشان دهد که شهر غربی دارای ویژگی خاصی است که آن را از شهر در دیگر نقاط جهان متمایز می‌سازد

۴- منظر شهری:

منظر یک شهر حاصل برداشت یک شخص از مجموعه عوامل طبیعی و مصنوع موجود در یک شهر است. ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و ... که توسط تمامی حواس انسان درک می‌شوند؛ منظر شهری فقط آنچه که دیده می‌شود نیست بلکه بوها و صداها نیز تأثیر بسزایی در درک انسان از محیط دارند. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۹)

«**ضوابط و مقررات ارتقا کیفی سیما و منظر شهری**» مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷) منظر شهری را در مقیاس‌ها و سطوح مختلفی تقسیم‌بندی کرده است که در هر کدام از این سطوح عناصر متفاوتی در تشکیل منظر شهری مؤثر هستند. هیچ جسم کاملی در طبیعت نیست که سازگار با جانی که در آن است، نباشد. زمانی که جان در گرفتاری باشد، جسم معلول می‌گردد و زمانی که جسم ناقص گردد، اگر تلاشی برای رفع نقص صورت نگیرد، جان به سر آید. اگر بپذیریم که شهر تبلور کالبدی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند؛ پس شهر جسم است و جامعه جان آن. این بدیهی است که وقتی جسم شهر دچار معلولیت باشد، جان آن به سردرگمی و آشفتگی حالی گرفتار می‌شود. شهر کنونی ما «معلول» است و به این دلیل نمی‌تواند به خواسته‌های روح خویش، یعنی جامعه‌ی درون آن، جواب بگوید. وجود نقایص کالبدی فراوان در منطقه مورد مطالعه کنونی، عملاً استفاده مفید از فضاهای شهری را نه تنها به حداقل رسانیده که در بسیاری موارد غیرممکن نیز ساخته است. بحرانی شدن مسئله در این است که آن بخش از جامعه که به سبب ناتوانی در به وجود آمدن سرزندگی است، عملاً از استفاده‌ی فضاهای شهری محروم گشته‌اند، علت را نه در «معلول بودن شهر» که در «معلول بودن خویش» جستجو کرده و خود را از نزدیک شدن به این فضاها باز می‌دارند.

۴-۱- منظر شهری در مقیاس کلان:

زمانی که کل شهر یا بخش وسیعی از شهر در گستره دید ناظر قرار گیرد، مقیاس کلان مورد نظر است. در این سطوح آنچه دیده می‌شود بناهای شاخص، بافت شهر، فضاهای اصلی بزرگ و اصولی، رنگ، شکل خطوط آسمان و یا عناصر طبیعی شاخص است. عناصر فرهنگی و تاریخی در این مقیاس نشان‌دهنده هویت شهر بخصوص شهرهای ایرانی هستند. (حبیبی و همکاران ۱۳۸۶)

۴-۲- منظر شهری در مقیاس میانی:

زمانی که انسان در بافت شهری قرار می‌گیرد را مقیاس میانی می‌گویند. در این سطوح عناصر مختلف بصری اعم از انسان‌ها و فعالیت‌ها به چشم می‌خورد. از اصلی‌ترین این عناصر می‌توان خیابان، فعالیت‌های جداره، نما، ارتفاع، درختان، تقاطع‌ها، محورهای دید و ... را نام برد. هویت شهر در این مقیاس نیز قابل‌رؤیت است. (حبیبی و همکاران ۱۳۸۶)

۴-۳- منظر شهری در مقیاس خرد:

نزدیک‌ترین انسان با شهر را مقیاس خرد می‌گویند. در این سطح به دلیل ارتباط نزدیک با شهر، ناظر به جزئیات، رنگ بافت مصالح، مبلمان شهری و نحوه‌ی قرارگیری آن‌ها، پیاده‌روها و ... توجه می‌کند. این سطح نقش مهمی را در برداشت شهروندان از شهر و کیفیت زندگی در شهر دارد. به‌عنوان مثال نماهای آلومینیومی که در اقلیم ایران (بیشتر نواحی) به دلیل نور شدید، مناسب نیست و تأثیر بدی بر روی درک شهروندان از محیط دارد (حبیبی و همکاران ۱۳۸۶)

۴-۴- اهمیت منظر شهری:

منظر شهری که نخستین جلوه‌ی شهر در خاطر و ذهن انسان‌ها محسوب می‌شود، تأثیر بسزایی بر روحیات و رفتارهای آن‌ها در محیط شهر دارد. منظر شهری مطلوب می‌تواند باعث ارتقاء کیفیت زندگی در شهر و ارتباط شهروندان با یکدیگر و شهر و ایجاد حس مسئولیت در قبال شهر در مردم شود. (زیاری ۱۳۹۶)

۴-۵- تأثیر بر وجوه ادراکی انسان:

انسان‌های زیادی دارای شخصیت‌های مختلف و از فرهنگ، دین، ملیت، سن و جنس متفاوتی در شهر وجود دارند. شهروندانی که هر کدام درک متمایزی نسبت به دیگران از شهر دارد؛ لذا چگونه منظر شهری می‌تواند در مقیاس‌های مختلف، نشان‌دهنده‌ی هویت شهر باشد؟

مناظر شهری که مورد ارزیابی ناظرهای مختلفی قرار گرفته و ملاک رفتار آن‌ها می‌شوند. چگونه منظر شهری باید تأثیر مثبتی روی افراد جامعه با ویژگی‌های مختلف داشته باشد؟ انسان‌ها دارای ویژگی‌های فطری مشترکی هستند؛ لذا منظر شهری نیز تأثیرات عمومی بر روی شهروندان می‌گذارد. به‌عنوان مثال شاید قرار گرفتن در محیطی با رنگ‌های خاص و زیاد بر روی دو فرد درون گرا و برون‌گرا اثرات متفاوتی داشته باشد. (آیثنی ۱۳۸۸)

۵- طراحی شهری:

فرآیندی است که به شکل‌دهی فیزیکی بافت‌های مختلف شهری و روستایی منجر می‌شود و با رویکرد ساختارگرایی به ایجاد اماکن متعدد می‌پردازد و طراحی ساختمان‌ها، فضاها، و چشم‌اندازها را در بر می‌گیرد و نهایتاً جریانی را به راه می‌اندازد به عمران و آبادی شهری کمک می‌کند. طراحی بخشی از هنر سازمان دادن فضای کالبدی است که با رشته‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری منظر، مهندسی فنی/مهندسی ترافیک و حمل‌ونقل روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد سروکار دارد و در عین حال با سیاست و فرهنگ و تیز ارتباط دارد. (وارثی و احمد ۱۳۹۰)

۵-۱- محور شهری:

محور یک شهر از آنجا که از درون یا کنار محلات و مناطق مختلفی می‌گذرند، حال و هوا، کارکرد و کیفیات یکسانی ندارند. بلکه دارای سکانس‌های مختلفی از انواع رویدادهای شهری می‌باشند. توجه به این سکانس‌ها، ابتدا و انتهایشان و نحوه تبدیل هر سکانس به سکانس دیگر در ارائه طرحی موفق مؤثر است. (اعتماد ۱۳۷۶)

۵-۲- هویت:

یعنی آگاهی از خود و ویژگی‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت. منظور از هویت عناصر و فضاهای عمومی شهر، ارائه تعریفی مشخص برای هر یک از عناصر و فضاها و امکان تمایز آن‌ها نسبت به یکدیگر است. فضا (نیز نظیر هر پدیده‌ی دیگری) زمانی برای دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده و از طرف دیگر خود نیز به‌عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نمائیم و بالاخره بتوانیم ذهنیت ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم. در مورد هویت محیط مصنوع و عناصر معماری و به‌طور کلی در مورد مکان می‌توان به جزئیات بیشتری نیز اشاره نمود. مکان برآیند و ترکیبی از عناصر فرهنگی و عناصر طبیعی می‌باشد، در واقع هویتی را داراست که این هویت تا حد زیادی متأثر از عوامل فرهنگی و عناصر منبعث از باورها و جهان‌بینی جامعه است. در واقع هویت مکان به نحوی به هویت انسان یه بهتر بگوییم به عوامل هویت‌دهنده انسان مرتبط می‌باشد. (حسینی ۱۳۹۲)

۵-۳- سرزندگی:

سرزندگی به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر است. یک فضای شهری سرزنده عبارت است از فضایی که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ جنس و سن) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی و اجتماعی بروز می‌یابد و به چشم می‌خورد (آیثنی ۱۳۸۷)

شهرهای مدرن از شیکاگو و توسط رابرت پارک آغاز شده؛ شهری که هم از نظر نرخ توسعه و هم از نظر نابرابری بسیار فاحش، نمونه بی‌نظیری محسوب می‌شد. دو مفهوم از مفاهیمی که در مکتب شیکاگو پروراند شد شایسته توجه خاصی است. یکی موسوم به رهیافت بوم‌شناختی (Ecological Approach) بر تحلیل شهری است و دیگری تعریف "شهرنشینی به‌منزله روش زندگی" که توسط لوئیس ورت ارائه شد.

۶- بوم‌شناسی شهری:

بوم‌شناسی (Ecology) شاخه‌ای از زیست‌شناسی است که زندگی گیاهان و جانوران را در زمینهٔ محیط رشد یا بوم آن‌ها مطالعه می‌کند. بوم‌شناسی انسانی علمی است که انسان را در زمینهٔ محیط زندگی او مورد تحقیق قرار می‌دهد و بنابراین به اجتماعات انسانی نظر دارد. رابرت پارک و همفکرانش از بوم‌شناسی علوم طبیعی استفاده کرده‌اند تا از آن طریق چگونگی استقرار جمعیت انسانی و نهادهای اجتماعی را در فضای شهری تبیین کنند. هدف محیط‌شناسی انسانی کشف اصول و قوانینی است که باعث پیدایش الگوهای خاص جابه‌جایی جمعیت و قرار گرفتن آن‌ها در فضاها و مکان‌های خاص می‌شود. در اوایل قرن بیستم علاقه به استفاده از نظریات داروین در مورد مسائل اجتماعی رواج داشت. پارک علاقه‌مند بود تا جامعه‌شناسی را از قید فلسفه خلاص کند و آن را به علم نزدیک سازد و مدل بیولوژیکی را بهترین وسیله برای نزدیک شدن به علم می‌دانست. نظریه‌های زیادی در مکتب شیکاگو برای توصیف الگوی استفاده از زمین و توزیع جمعیت در درون شهرها پیشنهاد شده است اما چهار نظریه مهم در زمینهٔ مدل‌های رشد شهری که همگی معتقدند چگونگی استفاده از زمین در شهر تصادفی نیست بلکه مبتنی بر الگوی قابل پیش‌بینی است، عبارت‌اند از:

الف - نظریه مناطق متحدالمرکز:

به نظر ارنست برجس، شکل فیزیکی شهر به صورت دوایر متحدالمرکزی است که ابتدا مرکز تجاری در حلقه مرکزی، سپس منطقه انتقالی، منطقه مسکونی کارگران، منطقه خانه‌های مسکونی مطلوب و در آخر منطقه افراد سفر کننده است که ورای محدوده شهر است. برجس بر آن است که تحلیل مشکلات شهری از جمله انحرافات اجتماعی و بزهدکاری جوانان را باید از خلال تبلورهای فضایی آن‌ها انجام داد.

ب - نظریه قطاعی:

به نظر هومر هیت، الگوی رشد فیزیکی شهرها به صورت قطاع است نه دوایر متحدالمرکز. محله‌های جدید در امتداد بزرگراه‌ها و محورهای ارتباطی شکل می‌گیرند نه به صورت حلقه‌های جدید در بیرون شهر.

ج - نظریه هسته‌ای:

بر اساس این مدل (از هریس و اولمان)، در شهر فرایندهایی وجود دارند که نه در یک هسته، بلکه در چند هسته رشد کرده، شکل می‌گیرد.

د - نظریه مناطق متحدالمرکز معکوس:

برعکس نظریه دوایر متحدالمرکز که مخصوص شهرهای کشورهای پیشرفته است، بران (Brunn) و همکارانش اعتقاد دارند که در کشورهای کمتر توسعه یافته، شهرها یا کارکرد اداری-سیاسی دارند یا مذهبی. نواحی مرکزی محل زندگی طبقه نخبه است و فقرا در پیرامون شهر زندگی می‌کنند. در مورد هر چهار نظریه باید گفت که شاید بتوان در یک شهر خاص، تلفیقی از این مدل‌ها را دید ضمن اینکه در شهرهای غیر غربی به خصوص شهرهای سوسیالیستی، کاربرد این مدل‌ها محدود است.

۶-۱- شهرنشینی به منزله روش زندگی:

فرضیه ورث درباره شهرنشینی به مثابه روش زندگی، به تمایزهای درونی شهرها چندان توجهی ندارد و بیشتر به ماهیت شهرنشینی به منزله شکلی از موجودیت اجتماعی علاقه‌مند است. در شهرها شمار انبوهی از مردم بدون اینکه یکدیگر را بشناسند در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، اکثر تماس میان ساکنان شهر محدود، زودگذر و فقط وسیله‌ی برای رسیدن به اهداف دیگری است نه اینکه ذاتاً روابط و مناسبات ارضاء کننده‌ای باشد. تراکم و غلظت زندگی اجتماعی در شهرها به شکل‌گیری محله‌هایی می‌انجامد که ویژگی‌های جداگانه‌ای دارند و بعضی از آن‌ها ممکن است خصوصیات اجتماعات کوچک را داشته باشند.

شهر به مثابه موزاییک یا مجموعه‌ای از جهان اجتماعی متفاوتی می‌باشد که هر قسمت آن توسط گروه یا قشری با ارزش‌های خاص خود اشغال گردیده است ویژگی‌های عمده شهر بر اساس نظر ورث عبارت‌اند از: اندازه جمعیت، تراکم جمعیت و عدم تجانس. ورث در تعریف خود از شهر معتقد است که شهر جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی سکونت افرادی است که به لحاظ اجتماعی فرهنگی ناهمگون‌اند. البته به نظرات ورث انتقادات زیادی مخصوصاً از سوی گیدنز وارد شده است.

۶-۲- مکتب شیکاگو در بوته نقد:

در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ انتقادات نظری و تجربی زیادی بر رهیافت زیست‌محیطی مکتب شیکاگو وارد شد که برخی از آن‌ها بدین شرح است:

- ۱- مکتب شیکاگو فاقد جهت‌گیری نظری روشن است؛
- ۲- نظریات پارک و همکاران او در مکتب شیکاگو بسیار جبرگرایانه است؛
- ۳- این نظریه بیش از حد زیست‌شناختی است؛
- ۴- برخلاف ادعای برجس، مدل شهری وی قابل تعمیم به هر شهری نیست.
- ۵- منتقدان، رقابت بیحد و حصر و جابه‌جایی جمعیت را زیر سؤال می‌برند، زیرا تحقیقات نشان داده است که این عوامل در همه شهرها و همه زمان‌ها تأثیر گذار نیستند.
- ۶- به‌طور کلی اعضای مکتب شیکاگو نسبت به زندگی شهری، نظری منفی داشتند و معتقد بودند که شهر روابط سنتی را به‌هم‌ریخته و پیامدهای منفی فراوانی پدید آورده است، البته این نوع نگاه تحقیرآمیز به شهر مورد انتقاد فراوانی قرار گرفت.

۷- جامعه‌شناسی شهری جدید، اقتصاد سیاسی شهری:

در اوایل دهه ۱۹۷۰ در مقابل بوم‌شناسی شهری دیدگاه نظری جدیدی به نام اقتصاد سیاسی پدیدار شد. پیدایش این دیدگاه تا حدودی به دلیل وجود نقاط ضعف در مدل بوم‌شناسی شهری و نیز وجود شرایط خاص اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بود؛ یعنی دوره‌ای که در آمریکا و اروپا آشوب بود و در نتیجه دیدگاه انتقادی نسبت به جامعه پدیدار شد. در این دوران این فرضیه سنتی که جغرافیا و فن‌آوری عامل اصلی تعیین‌کننده شکل زندگی شهری‌اند مورد نقد قرار گرفت. نظریه‌های جدیدتر درباره شهرنشینی بر این نکته پافشاری کرده‌اند که شهرنشینی فرایند مستقل و خودمختاری نیست بلکه باید در ارتباط با الگوهای عمده تغییر سیاسی و اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دو تن از برجسته‌ترین صاحبان این نظریه‌ها، دیوید هاروی و مانوئل کاستلز هستند.

الف) دیوید هاروی: نوی بر آن است که شهر در نهایت حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمدهاست. شهرها در تحول خود گرایش ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارض درون خود دارند. این تعارض در آن واحد هم به دلیل نابرابری میان اقشار اجتماعی به وجود می‌آید و هم به دلیل نابرابری میان مناطق مختلف زیستی در اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در آن‌ها. راه چاره به عقیده هاروی تنها در ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است. تحلیل هاروی نشان می‌دهد که نمی‌توان محیط فیزیکی یا ساختمان شده را صرفاً حاصل یک عصر محسوب کرد بلکه به‌طور دقیق‌تر نتیجه تلاش گروه‌های خاص اجتماعی برای سلطه فرهنگی و قدرت سیاسی و اجتماعی است. محیط فیزیکی میدانی برای رقابت و مبارزه است.

ب) مانوئل کاستلز: نوی همچون هاروی بر این نکته تأکید می‌کند که شکل فضایی و مکانی یک جامعه پیوند تنگاتنگی با مکانیسم‌های کلی توسعه آن جامعه دارد و محیط‌های شهری مظهر تجلیات نمادین و فضایی نیروهای اجتماعی وسیع‌تری هستند. کاستلز برخلاف جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو شهر را جایگاه مشخص (مستقل) و جداگانه‌ای نمی‌داند، بلکه آن را بخش تفکیک‌ناپذیر فرایندهای هدف جمعی تلقی می‌کند که به نوبه خود جزء جنبه‌های ذاتی سرمایه‌داری صنعتی‌اند. هم هاروی و هم کاستلز هر دو تأکید دارند که شهرها محیط‌هایی سرپا مصنوعی‌اند که به دست مردم بر ساخته می‌شوند.

۷-۱- نقد دیدگاه اقتصاد سیاسی شهری:

از تحلیل طرفداران اقتصاد سیاسی در مورد شهر، حداقل سه نوع انتقاد به عمل آمده است.

- ۱- ارائه یک تحلیل جبرگرایانه انتقادی از تغییرات اجتماعی؛
- ۲- اینکه اقتصاد سیاسی چیزی جز مارکسیسم ارتدوکسی نیست؛
- ۳- تأثیر دیدگاه اقتصاد سیاسی برای آینده جامعه‌شناسی چه خواهد بود؟

از دیگر انتقادات عبارت است از: جبرگرایی اقتصادی، بی‌توجهی به تنوع فرهنگی به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار، تحلیل تمام تضادهای اجتماعی بر اساس طبقه اجتماعی و بی‌توجهی به سایر عوامل مؤثر بر تضاد اجتماعی (نژاد یا جنسیت) و همچنین ارائه تصویری منفعل از آدمی به‌طوری‌که قادر به تغییر در محیط خود نیست.

۷-۲- تلفیق دیدگاه‌ها در جامعه‌شناسی شهری جدید:

برخی از صاحب‌نظران مانند فلانگان (Flanagan)، مجموعه بینش‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی شهری را در دو گروه اصلی زیر عنوان فرهنگ‌گراها و ساخت‌گراها جای می‌دهند و به لحاظ جامعه‌شناسی تعدد مکاتب را نمی‌پذیرند. به نظر وی، فرهنگ‌گرایان شهر را به‌عنوان متغیر مستقل انگاشته و به تأثیرات آن روی رفتار و تجربیات مردم می‌پردازند. برعکس، ساختارگرایان در جستجوی تأثیر متقابل بین نیروهای سیاسی و اقتصادی و سازمان فضایی متحول حوزه شهری‌اند و عمدتاً به ساخت شهری علاقه‌مندند. امروزه بسیاری از محققان تمایل دارند که به تلفیق دو رهیافت فرهنگ‌گرا و ساختارگرا بپردازند؛ زیرا هر دو رهیافت در تبیین واقعیت‌های روزمره دارای توانایی خاصی‌اند.

۸- مروری بر تجربیات عملی:

بحث احیای بافت‌های شهری یک عبارت می‌تواند به زمان‌های خیلی دور یعنی از همان آغاز ساخت اولین شهرها به دست بشر گردد. اگر عناصر عمده فیزیکی در بافت شهر را مسکن و شبکه‌های ارتباطی بدانیم، طبیعت این عناصر دارای عمری محدود و در طول زمان همیشه و در حال تغییر و تحول تدریجی بوده‌اند. می‌توان گفت هیچ بنایی بدون مرمت و با احیا، دوام و بقایی طولانی نمی‌تواند داشته باشد. عناصر شهری چه در اثر فرسودگی تدریجی ناشی از عدم شناخت آینده‌نگری از فرهنگ و اجتماع و سیاست‌های اقتصادی همیشه نیاز به احیا و بازسازی را داشته‌اند. به‌عنوان نمونه تأکیدات اولیه در پاک‌سازی محلات در بخش‌های داخلی انگلستان منجر به پاک‌سازی و از بین بردن دو میلیون خانه از دهه ۱۹۳۰ شد اما از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد حادث شدن مشکلات و رشد روزافزون گرایش‌های اجتماعی و فرهنگی موجب شد تا شهرسازان به احیا بافت‌های میانی و متوسط با مشارکت مردم روی آورند. از آن پس نظرات و تجارب جدی شهرسازی بر سه محور عمده زیر استوار گردید:

الف: تقویت معیارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

ب: تقویت و توسعه فضاهای باز و امکانات عمومی فراتی

ج: تعدیل حرکت سواره و گسترش فضاهای پیاده در مراکز شهری و نواحی مسکونی

در طول دو یا سه دهه اخیر، طرح‌های ساماندهی مراکز شهری با اهداف و اشکال مختلف در بسیاری از شهرهای جهان به اجرا درآمده است که عمدتاً این طرح‌ها به ارتقای کیفیت زندگی و جاذبه‌های شهری منجر می‌شود.

۸-۱- شهر حلب:

دارای دو بخش متمایز است. یکی بخش قدیم که داخل حصار قدیمی شهر است. (سیتادل) و بخش جدید که بیرون از حصار قرار دارد. به‌طور کلی سیاست‌های مداخله در حلب را می‌توان به موارد زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف: مطالعه همه‌جانبه و ایجاد بانک اطلاعاتی

ب: هماهنگی برنامه‌ها و پروژه‌ها آزمایشی

ج: ارائه خدمات تکنیکی به مراکز عمومی و بخش خصوصی

د: حساس کردن اهالی نسبت میراث فرهنگی جهت ارتقاء مشارکت

ذ: ارتقاء امنیت و جمع‌آوری اطلاعات و تشخیص مشکلات

این پروژه که با نام (پروژه‌ای برای توان‌بخشی شهر قدیمی حلب) مشهور است به‌طور همه‌جانبه‌ای در پاسخ به کاستی‌های موجود در بافت شکل گرفت و آن‌ها را بهبود بخشید.

۸-۲- باز زنده سازی مرکز شهر بالتیمور:

بزرگ‌ترین شهر و مرکز فرهنگی ایالت مریلند در کشور آمریکا است. بالتیمور در سال ۱۷۲۹ بنیان گذارده شد و یکی از قدیمی‌ترین بندرهای آمریکا است. در گذشته بالتیمور پس از نیویورک دومین بندر مهم برای ورود مهاجران اروپا به آمریکا بوده.

اهداف اصلی طرح:

- ۱- نگهداری و حفاظت از مهم‌ترین ساختمان‌های موجود شهری
- ۲- ایجاد انگیزه و کشش‌های جدید اقتصاد شهری همراه با حس مسئولیت‌پذیری جوامع تجاریو سرمایه داران به سرنوشت تجدید حیات شهری
- ۳- افزایش فضاهای باز شهری و جدا سازی مسیرهای پیاده و سواره
- ۴- توسعه صنعت گردشگری و جهانگردی به‌عنوان یک عامل نوسازی و فعالیت درآمدزا
- ۵- ارتقاء بهبود کیفیت محیط شهری و محیط‌زیست.

۹- نتیجه‌گیری:

۱- اجتماع و جامعه در هر زمان و مکانی ترکیبی است و به‌طور خالص وجود ندارد و باید به نظریات به‌عنوان یک مدل ایدئال نگریسته شود. چراکه درون اجتماع، جامعه و درون جامعه، اجتماع قابل مشاهده است. امروزه نمی‌توان ادعا کرد که در مدرن‌ترین شهرها ترکیب اصیل و خالص وجود دارد. همان‌طور که برخی جامعه‌شناسان بیان کرده‌اند باید قواعد جامعه و اجتماع به‌صورت تلفیقی و ترکیبی مورد توجه قرار گیرد. به این شکل که جامعه هم از مدرنیته و مدرنیزاسیون برخوردار باشد و هم بتواند سنت‌های صحیح، ارزش‌ها و اخلاقیات را حفظ کند.

۲- با توجه به نظریات و تحلیل‌ها که مورد بررسی قرار گرفت می‌توان اذعان داشت که تمامی پروژه‌ها در ابتدا به دنبال بازیابی هویت تاریخی فرهنگی و اجتماعی شهرشان بوده‌اند و پس از آن با توجه به اینکه تمامی محدوده‌های بافت‌ها پس از مدتی پویایی و سرزندگی خود را از دست داده‌اند لذا لازم است که با توجه به پتانسیل‌های بالقوه این بافت‌ها و با برنامه‌ریزی و طراحی‌های مناسب فضاهای جاذب را جهت استفاده شهروندان و جامعه ایجاد نمود.

۳- به‌طور کلی شهر در یک مفهوم کلی به‌کلی دست‌آورده‌ای انسان برای انجام امور زندگی اطلاق می‌شود. این پدیده که محصول ارتباط انسان با محیط در یک پوشش فردی و جمعی است، به انسان و جوامع انسانی کمک می‌نماید تا از محیط فیزیکی و اجتماعی در جهت اهداف و منافع فردی و مصالح جمعی بهره‌بردار. از اینرو تحولات فرهنگی مناسب یکی از محورهای توسعه است که بازتاب‌های آن می‌تواند به ارتقای سطح زندگی و نظم لازم در انجام امور مختلف اقتصادی و اجتماعی بیانجامد.

۴- الگو سازی و ایجاد نظم در رفتارهای اجتماعی و مدنی: در طراحی نظام عملکردهای شهری شایسته است تا جایگاه کلیه امور فردی و جمعی به‌صورت روشنی تعریف گردد. به نحوی که ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر گرفته و به آن جهت دهد. برنامه ریزان شهری می‌کوشند تا این نظام عملکردی را طراحی کرده و بوسیله ابزار مختلف کالبدی، قانونی و نظارتی آن را به اجرا درآورند و نظم لازم را در جهت حفظ شؤنات و ارزش‌های اجتماعی و بهبود عملکردهای شهری ایجاد نمایند. لیکن در مناطق غیررسمی شهری به جهت نفس بی برنامه‌ای و خودرویی آن چنین اقداماتی صورت نمی‌گیرد و جامعه فاقد مکانیزم‌های لازم برای ایجاد و گسترش نظم می‌باشد. به‌عنوان نمونه در نتیجه عدم پیش‌بینی و ساماندهی فضاهای خدماتی نظیر مراکز محله و فضاهای شهری لازم جهت انجام مراودات و شکل‌دهی مناسبات اجتماعی، الگوهای رفتاری تحت تأثیر بی‌نظمی کالبدی قرار گرفته و بشکل نامطلوبی تظاهر می‌یابند.

۱۰- منابع:

- ۱- آئینی، م (۱۳۸۷)، بستر سازی نهضت و بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری.

- ۲- آئینی، م (۱۳۸۸)، توسعه درونی شهرها و شاخص های اندازه گیری آن.
- ۳- اعتماد، گ (۱۳۷۶) تفاوت اهداف اولیه و نتایج حاصله از احداث شهرهای جدید و علل آن، مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار شهرهای جدید اصفهان با همکاری شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۴- حبیبی، ک؛ پوراحمد؛ ا؛ مشکینی، ا. (۱۳۸۶) بهسازی و نوسازی بافت های کهن شهری، انتشارات دانشگاه کردستان و سازمان عمران و بهسازی، چاپ اول.
- ۵- حبیبی، م؛ مقصودی، م. مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ویرایش جدید.
- ۶- حسینی کوهله، م و همکاران (۱۳۹۲) نقش خاطره جمعی در باززنده سازی بافت های شهر: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی شماره ۱۸.
- ۷- زیاری، ک (۱۳۹۶) برنامه ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت.
- ۸- شیخی، ا و همکاران (۱۳۹۴) تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری با نقش میانجی مشارکت شهروندان (مطالعه موردی: شهرداری کرمان). فصلنامه مدیریت شهری شماره ۴۳.
- ۹- کاویانی، م (۱۳۸۴) شهر در گذر زمان، انتشارات: شرکت سهامی انتشار چاپ چهارم
- ۱۰- مدقق م. د. (۱۳۹۳) روش شناسی نظریه اجتماعی امیل دورکیم، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۳-۷
- ۱۱- مهدی زاده، س م، (۱۳۸۹): نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی، تهران: نشر همشهری، چاپ اول ۱۳۸۹.
- ۱۲- وارثی ح و همکاران (۱۳۹۰) بررسی عملکرد شهرهای جدید با تأکید بر جمعیت پذیری (نمونه موردی شهر جدید مجلسی)، فصلنامه جمعیت شماره ۷۶-۷۵.